



## جایگاه امنیت ملی در سیاست خارجی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی

انوش جعفری<sup>۱</sup>، ابراهیم عاطف<sup>۲</sup>

۱- استادیار، دکتری تخصصی عضو هیئت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

۲- کارشناسی ارشد علوم سیاسی

Dr\_aj2012@yahoo.com

### چکیده

یکی از مولفه‌های موثر بر امنیت ملی ایران مسئله سیاست خارجی است. گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نه تنها با سیاست خارجی قبل از انقلاب متفاوت است بلکه در هر دوره ریاست جمهوری این ویژگی‌ها تغییر یافته است. پژوهشگر به دنبال پاسخ به این سوال است که چه رابطه‌ای میان گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و امنیت ملی بعد از انقلاب اسلامی برقرار است؟ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نیاز ایران به امنیت‌سازی تداوم یافته است. بر این اساس شاهدیم تحولات و دگرگونی‌هایی در قالب‌های ادراکی و گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رخ داده است.

**کلید واژه:** امنیت ملی، سیاست خارجی، دولت‌های پس از انقلاب اسلامی

### مقدمه

سیاست خارجی به عنوان ابزار اصلی تعامل حکومت‌ها با جهان، از مهم‌ترین عرصه‌های سیاست‌گذاری کلان برای تأمین منافع ملی تمامی ملت-دولت‌ها است. است از سوی دیگر ملاحظات امنیت ملی هر کشوری در صورتی منتج به آرامش ملی خواهد شد که اولاً از منویات و خواسته‌های درونی یک ملت نشأت گیرد و ثانياً معطوف به مصالح آن ملت باشد. با وقوع انقلاب اسلامی و با توجه به اینکه سیاست خارجی به شدت متأثر از اسلام و اصول اعتقادی آن به عنوان مبنای اصلی نظام حاضر می‌باشد؛ از منظر عقیدتی و آرمان‌گرایانه به آن نگرسته می‌شود. جمهوری اسلامی ایران، از ابتدای تأسیس، در سیاست خارجی خود، همواره با مسئله مهم تعریف و تعیین منافع ملی و چگونگی رابطه این مفهوم با مفهوم مصالح اسلامی مواجه بوده است.

### سیاست خارجی

در رابطه با تعریف سیاست خارجی تعاریف متعددی وجود دارد رینولدز در تعریف سیاست خارجی می‌نویسد سیاست خارجی مجموعه‌ای از اقدام‌هایی است که از سوی بخش‌های گوناگون یک کشور با توجه به چگونگی کددار دیگر یکان‌ها در صفحه بین‌المللی که مهمترین آن‌ها کشورها هستند، صورت می‌پذیرد (رینولدز، ۱۳۸۰، ۶۳) هالستی در تعریف: خود از سیاست خارجی بیان می‌دارد اقدامات یک دولت در قبال محیط خارج، سیاست خارجی آن دولت را مشخص می‌کند و دانش پژوهشی که در تحلیل خود به این اقدامات می‌پردازد و به شرایط معمولاً داخلی موثر در تعیین اقدامات مزبور توجه دارد سیاست خارجی را مورد بررسی قرار می‌دهد. (صراف زاده، ۱۳۸۷، ۱۰) و صاف



سیاست خارجی پدیده ای نیست که در خلاء و به صورت تجریدی و انتزاعی درباره آن بحث کرد و به صدور احکام تجویزی پرداخت، بلکه این تصمیمات در رابطه با ارگانهای مشابه در صحنه بین المللی به کار گرفته می شود. ماهیت و عملکرد سیاست خارجی در هر کشور متفاوت است و خصوصاً در رابطه با روند سیاست گذاری خارجی که خود از مباحث اصلی سیاست خارجی می باشد. از طرفی دیگر سیاست خارجی با سطوح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن کشور ارتباط دارد و پدیده ای چند وجهی است. (تحقیقی، ۱۳۸۸، ۱۴)

### امنیت ملی

امنیت ملی بیانگر وجود «امنیت» در چهارچوب «ملت» یا به عبارت دقیقتر و امروزی در درون دولت-ملت است ولذا مفهومی است همراه و همزاد با پیدایش کشور و دولت. (بهزادی، ۱۳۵۲، ۶۴-۵۴) امنیت ملی مفهومی است سیال، گسترده، پیچیده و مبهم که در مورد تعریف آن توافق واحدی وجود ندارد و لذات محققان بیشتر بر مصادیق آن نظیر حفظ خود، ارزشهای حیاتی، تمامیت ارضی، مردم، بقای کشور، ثبات سیستم سیاسی و اجتماعی و حاکمیت کشور، فقدان ترس از خارج و داخل نسبت به منافع ملی تکیه دارند.

### اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در واقع شاخص های کلانی هستند که معرف خصوصیات اصلی و اساسی نظام سیاسی جدید ایران می باشند. این اصول در قانون اساسی به شکل حقوقی و رسمی، بازتاب که اهم آنها مشتمل بر «سعادت انسان در کل جامعه بشری» و «تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان، اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام» (اصل ۱۵۲)، «استقلال» و «نفی هرگونه سلطه گری و سلطه پذیری» (اصل ۲ بند ج) و «ظلم ستیزی و عدالت خواهی و حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفان» (اصل ۲) است.

### دولت موقت

این دوره ۹ ماهه با نخست وزیری مهندس بازرگان و حکومت دولت موقت شروع و با اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام و استعفای مهدی بازرگان به پایان میرسد. بازرگان اعلام کرد که ایران سیاستی مبتنی بر اصل عدم تعهد را دنبال خواهد کرد. بازرگان بر این باور بود که سیاست ایران در قبال قدرتهای بزرگ باید مانند «سیاست مصدق» باشد در جهت تحقق عملی این سیاست، ایران در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۵۷ از سازمان پیمان مرکزی (سنتو) خارج شد؛ به جنبش عدم تعهد (نم) پیوست و بسیاری از دستور خریدهای مربوط به تسلیحات از غرب را لغو کرد. اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره) و وقوع حمله عراق به ایران در شهریور ۱۳۵۹ و آغاز جنگ تحمیلی، استراتژی نه شرقی نه غربی این دولت را متزلزل کرد. (میرفخرایی، ۱۳۹۳، ۶۵) عمر کوتاه دولت موقت مانع از آن شد تا اهداف و برنامه های مشخصی در محیط راهبردی منطقه ای برای ایران تعریف شود. با اینحال دولت بازرگان با در پیش گرفتن عملگرایی کوشید تا با پرهیز از خشونت، سیاست گام به گام تشنج زدایی را به پیش برد.

میانه روهای ایران در تعقیب اهداف کلی نظام، بیش از هر چیز به دنبال اهداف ملی کشور بودند و تعقیب اهداف فراملی اعلام شده نظام را برای امنیت ملی کشور نمی پسندیدند. امنیت ملی نظام در نزد میانه روها به اصلاح داخلی و حفظ بی طرفی در سیاست خارجی که تفسیر ویژه ای داشت (بازرگان، ۱۳۶۳) آنها در سیاست خارجی نیز پیروی از اصول انقلابی را برای منافع ملی نظام جایز نمی دانستند. طبق سیاست موازنه منفی، نظم کلی بین المللی حاکم از استحکام ویژه ای برخوردار است و درگیر شدن با آن مطابق مصالح و منافع ملی کشور نخواهد بود. در این چهارچوب



حداکثر تلاش دولت ملی باید بهره‌گیری از نظم موجود برای تأمین امنیت و منافع ملی خود باشد. مسأله دیگری که تا حد زیادی مفهوم امنیت نظام را از دیدگاه میانه روها مشخص می‌سازد، اصل صدور انقلاب است. آنها با استناد به رویه‌ها و مقررات پذیرفته شده بین المللی، تأکید بر صدور انقلاب و حمایت از نهضت‌های آزادیبخش را معایر اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها می‌دانستند. توجه دولت موقت و میانه روهای نظام به اصل اهداف و منافع ملی به جای اهداف و منافع فراملی در تأمین امنیت ملی نظام ریشه در برداشت کلی آنها نسبت به حکومت و مملکت داری دارد.

### دولت آقای خامنه ای (۶۸-۱۳۶۰)

در این دوره سیاست خارجی کشور جنبه مکتبی به خود گیرد که با تأکید بر بسط و گسترش بخشی به ایدئولوژی رهایی بخش اسلامی و صدور انقلاب به کشورهای تحت ستم، بسط افکار و پیام‌ها و شعارهای انقلابی و جایگزین کردن مرزهای ایدئولوژیک به جای مرزهای جغرافیایی را در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره قرار داد. (رضایی، ۱۳۸۷، ۸۶). اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره را می‌توان این موارد را برشمرد: نفی مرزهای جغرافیایی موجود و ترسیم مرزهای ایدئولوژیک؛ ۲- برقراری تماس با ملت‌ها در راستای حمایت از مبارزات آزادی بخش به جای تماس با دولت‌ها؛ ۳- کوشش در جهت خوداتکایی و استقلال در کنار استکبار ستیزی و نفی هر گونه سلطه؛ ۴- گرایش به سیاست‌های انزواطلبانه؛ ۵- صدور انقلاب اسلامی و حمایت از مستضعفان جهان؛ ۶- ارجحیت منافع و مصالح اسلامی بر منافع ملی کشور. (رضایی، ۱۳۸۷، ۸۹)

سیاست‌های «اعمالی» و «اعمالی» نخبگان نظام در این دوره، دارای بیشترین قرابت و همخوانی با اندیشه‌های انقلابی بوده است و از نظر عملی می‌توان سطره کامل گفتمان انقلاب در ملاحظات امنیت ملی کشور را در دو سال اول پیگیری نمود. بدیهی‌ترین و شایع‌ترین ویژگی حاکم بر ملاحظات امنیتی جدید، اعتبارزدایی از مفهوم «امنیت ملی» و عدم کار بست آن در سیاست‌گذاریها بود. در ادبیات گفتاری و نوشتاری مسئولین نظام در این دوره حتی یک‌بار نیز سخن از ترکیب «امنیت ملی» نیامده است. در این گفتمان نیز قلمرو سرزمینی ایران اصالت و اولویت ندارد و جمهوری اسلامی ایران مسئولیتهای فراملی متعددی را در سر دارد. (درویشی، فردی تازه کند، ۱۳۸۷، ۱۱۷-۱۱۶) اثرات سوء روندهای ملی‌گرای در جهان اسلام بروحدهت مسلمانان و بهره‌برداری بیگانگان از این روندها، باعث بدبینی انقلابیون نسبت به مفاهیمی می‌شد که دارای بار «ملی» و «ملیت» بودند.

### دولت آقای هاشمی رفسنجانی (۷۶-۱۳۶۸)

پس از روی کار آمدن آقای هاشمی رفسنجانی ملاحظات اقتصادی اولویت‌های سیاسی را می‌توان تحت الشعاع قرار داد. هدف این سیاست بازسازی اقتصادی درهم ریخته، گسترش حوزه مشارکت خارجی و خصوصی سازی اقتصاد داخلی کشور بوده است. آزادسازی اقتصادی و کاهش نقش دولت در اقتصاد کلید اصلی برنامه‌ی احیای اقتصادی محسوب می‌شد. هدف اصلاحات اقتصادی، بالا بردن نقش بخش خصوصی در اقتصاد کشور بود. دولت تلاش نمود تا تجارت خارجی از توسط بخش خصوصی بهبود بخشد. (معین‌الدینی، منتظر مهدی، ۱۳۸۸، ۲۰۶) دولت آقای رفسنجانی بر این باور بود که توسعه اقتصادی که زیر بنای ایجاد فضای امن اقتصادی می‌باشد، می‌تواند توسعه سیاسی را به همراه داشته باشد. (آقایی، ۱۳۸۶، ۱۲). خط مشی عملی و رفتاری در ایران در صحنه سیاست خارجی با توجه به منافع ملی و ترتیبات منطقه‌ای و پرهیز از تحریک دیگران در قالب عادی سازی روابط مورد بررسی قرار داد و الگوی رفتاری در سیاست خارجی به مصالحه و همزیستی تغییر یافت. می‌توان اصول سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی را می‌توان اینگونه خلاصه کرد: در دستور کار قرار گرفتن عادی سازی روابط با سایر کشورهای جهان؛ ۲- برقرار ارتباط با سایر کشورهای جهان؛ ۳- جایگزینی درک ایدئولوژیک از سیاست بی‌المللی با درک



ژئوپولیتیک از آن ۴- عضویت فعال در سازمان های منطقه ای و بین المللی ۵- انعطاف پذیری و جهت گیری های مصلحت گرایانه جهت خروج ایران از انزوای سیاست تحمیل شده ناشی از جنگ عراق علیه ایران ۶- تاکید بر صدور انقلاب از طریق پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور تا بدین ترتیب انقلاب با الگو شدن برای سایر محرومان صادر شود. (موسوی، ۱۳۸۷، ۹۲-۹۱)

این گفتمان، ضمن ایجاد فرصت‌هایی برای تأمین اهداف فراملی ایجاد کرد (ازغندی، ۱۳۸۴، ۱۲). در این دوره به نسبت زمان جنگ از ملاحظات سخت‌افزاری امنیت کاسته شد و به جای آن شاهد غلبه ابعاد نرم‌افزاری امنیت ملی در ملاحظات کلان ملی می‌باشیم. (ولی پور زرومی، ۱۳۸۳، ۳۰۶) در این دوران، شاهد کم رنگ شدن سیاست های ایدئولوژیک هستیم. (رنجبر، ۱۳۷۹) جنگ و پیامدهای آن، اوج بدبینی دولت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های برتر نظام بین‌المللی را نسبت به انقلاب اسلامی ملاحظات ملی را در حواشی مرزهای ملی متمرکز ساخت. توجه به روش‌های مهار آسیب‌های جنگی و توانایی حفظ بقا، به تنهایی در رأس امور امنیت ملی کشور قرار گرفت.

### سیاست خارجی دولت آقای خاتمی (۸۴-۱۳۷۶)

با پیروزی جناب آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری با نوعی از تحول در گفتمان سیاسی مبتنی بر ترویج چند جانبه گرایی، برابری فرهنگ و ملت‌ها، تعاملات منطقه ای و بین المللی مواجه ایم. در این دوره مباحث سیاسی و فرهنگی جایگزین محوریت اقتصاد در دوره قبل گردید. در این دوره از سیاست خارجی ایران پذیرش پلورالیسم جهانی به معنی نفی نظام تک قطبی و پذیرش تساوی فرهنگ‌ها به محور اصلی سیاست خارجی تبدیل شد (ازغندی، ۱۳۸۴، ۱۸) به طور کلی اصول سیاست خارجی خاتمی بر سه اصل پایا بود: ۱) اصل عزت، حکمت و مصلحت ۲) تنش زدایی ۳) گفت و گوی تمدنها (دبیرزاده، ۱۳۸۲، ۲۴۵) در این دوران سیاست چندجانبه گرایی بین المللی در بطن سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفت؛ جلب و جذب سرمایه های خارجی از رهگذر اعتمادسازی مورد عنایت واقع شد؛ به موازات تاکید بر جامعه مدنی بین المللی دیپلماسی غیر دولتی مورد اهتمام قرار گرفت؛ و با توجه به رویکرد واقع گرایانه به نظام بین الملل از درگیری ایدئولوژیک پرهیز و همزیستی مسالمت آمیز در دستور کار قرار گرفت. در این برهه سعی شد حتی الامکان از امنیتی کردن مسایل سیاست خارجی پرهیز شود.

ظهور آقای خاتمی، گفتمان امنیتی دیگری را وارد فضای سیاسی کشور کرد و رویکردی نرم افزاری به امنیت ملی داد. بر این اساس گفتمان نوین امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران تا زمانی که بر مبنای ارزش های مورد ادعای خود نتواند جامعه و نظام سیاسی راسازمان دهی کند، هرگز نمی تواند مبلغ خوبی برای ارزش های دینی در دنیا باشد. در این گفتمان بر بسترهای درونی تهدیدات خارجی اهمیت بیش تری داده می شود. مطابق این گفتمان توسعه سیاسی را از دو جهت برای آینده امنیت ملی ایران حیاتی می دانند. در بعد سیاسی، این توسعه، زمینه ساز کارآمدی و مشروعیت نظام است که موجب ایجاد ثبات سیاسی، پیش بینی پذیری سیاسی، نهادینه شدن امور و برنامه های کشور می شود. در بعد اقتصادی هم توسعه سیاسی، بستر مناسبی را برای توسعه اقتصادی فراهم می کند. در بعد سیاست خارجی، عمل گرایی، جایگزین ایستارهای ایدئولوژیک شده و منافع ملی و مصلحت جمهوری اسلامی ایران، راهنمای اقدام در عرصه روابط بین المللی می باشد. برای افزایش قدرت ملی و تأمین اهداف و منافع ملی خود، به رقابت و کشمکش می پردازند. گفتگوی تمدنها حرکتی بود در جهت مفهوم سازی در سیاست خارجی که این سیاست و تنش زدایی در ایجاد نوعی هماهنگی بسیار مؤثر بوده‌اند. انتخاب این سیاست توانست ایران را از لحاظ انزوای سیاسی که گرفتار شده بود نجات دهد و از جو مصنوعی تنش و مقابله بین ایران و کشورهای جهان و منطقه بکاهد و فضای گفتگو را جایگزین آن نماید (سجادپور، ۱۳۸۱، ۱۵۲)



### سیاست خارجی دولت آقای احمدی نژاد (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

محمود احمدی نژاد در مقام ریاست جمهوری اسلامی، تصریح و تأکید کرده است که در سیاست داخلی و سیاست خارجی درصدد احیای اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های نخستین انقلاب و در رأس آن عدالت است. تسلط گفتمان آرمانگرایی اصول محور بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره را می توان متأثر از عوامل متعدد داخلی و بین المللی دانست. مساله هسته ای ایران، افزایش فشارهای بین المللی در این مورد بازرسی های متعدد نمایندگان آژانس از مراکز فعال در امر فناوری هسته ای در کشور را می توان یکی از آن عوامل دانست. تأکید ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد بر محور رژیم اسرائیل از نقشه جهان تأییدی بر اصول اولیه انقلاب اسلامی بود. حمایت از جنبش حماس و حزب ... لبنان هم در این راستا قرار داشت. (رضایی، ۱۳۸۷، ۹۶) در سطح سیاست خارجی ایران در این دوره شاهد گسترش روابط خارجی ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس - علیرغم اختلافات مرزی - هستیم. مخالفت با یکجانبه گرایی هژمونیک ایالات متحده آمریکا در سطح منطقه ای و بین المللی، از دیگر مشخصات این دوره از سیاست خارجی کشور است. اصول گرایی در دو بعد تبیینی و تخریبی به واسطی نظم و نظام بین الملل موجود می پردازد. در بعد تبیینی، از طریق توصیف و تبیین سرشت ناعادلانه وضع موجود و نظم مستقر سعی می کند آن را غیرطبیعی ساخته و از آن مشروعیت زدایی کند. در دومین گام، درصدد تخریب و سپس تغییر نظم موجود برای استقرار نظم مطلوب است. راهبرد سوم برای تغییر و تحول نظام بین الملل به صورت انتقاد از سازمان‌ها، نهادها و قواعد و قوانین بین المللی و تلاش برای اصلاح آن‌ها تجلی می یابد. دولت نهم یکی از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی را «تقویت استراتژی چند جانبه گرایی در سطح بین المللی و مقابله با یک جانبه گرایی در عرصه بین الملل» و «گسترش همکاری با کشورهای مستقل و غیر متعهد» اعلام می دارد. تأکید آرمان گرایان اصول محور بر برخی آرمان ها، و اعلان رسمی این سیاست ها از تریبون های رسمی با پیامدهایی در سطح ملی و بین المللی روبرو شده است. تشدید تحریم ها در سطح بین المللی سبب مسائل و مشکلات اقتصادی در سطح داخلی گردیده اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره را می توان اینگونه خلاصه کرد: ایستادگی و پافشاری بر حقوق هسته ای کشور و تحمل مشکلات ناشی از آن؛ ۲- مخالفت اعلانی و اعمالی با سیاست های یکجانبه گرایی آمریکا در سطح بین المللی و خصوصاً منطقه ای؛ ۳- تأکید بر آرمان های انقلاب اسلامی از جمله محور رژیم اسرائیل از نقشه سیاسی جهان؛ ۴- حمایت از نهضت ها و جنبش های آزادی بخش در لبنان و فلسطین؛ ۵- اتخاذ رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی و نزدیکی به چین و روسیه؛ ۶- تأثیرپذیری رویکردهای سیاست خارجی از ضرورت های ایدئولوژیک بیش از تحولات محیط بین المللی؛ ۷- گسترش و تعمیق روابط با کشورهای همسایه به خصوص کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس.

در گفتمان اصول گرایی، مرزهای ایدئولوژیک و عقیدتی جایگزین مرزهای جغرافیایی می شود و مکتب گرایی جای ملت گرایی را می گیرد. (دهقانی فروز آبادی، ۱۳۸۴، ۶۷-۶۶). تا پیش از شکل گیری دولت های نهم و دهم تلاش زیادی برای غیرامنیتی کردن مساله ایران در سطح بین المللی صورت گرفته بود، طی دوره دولت های نهم و دهم با طرح برخی موضوعات غیرضروری مثل محور اسرائیل از نقشه جهان، مجدداً فرآیند امنیتی شدن ایران، تشدید شده است. در چارچوب گفتمان اصول گرایی منافع و اهداف ملی بر حسب ارزش ها، آرمان ها و اصول اسلامی و انقلاب اسلامی تعریف می گردد. بر این اساس، علاوه بر منافع حیاتی، امنیتی و اقتصادی کوتاه مدت، منافع و اهداف معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیک را نیز باید در سیاست خارجی پیگیری و تأمین کرد. لذا مأموریت سیاست خارجی و رسالت جمهوری اسلامی ایران «اصلاح نظام حاکم بر جهان، مبتنی بر عدالت، خداپرستی و عشق و مهرورزی و انصاف» است. طی دوره مذکور به دلیل سیاست های اتخاذ شده، حق انتخاب استراتژیک ایران بسیار محدود شده و به جز روابط با برخی کشورهای کم اهمیت آمریکای لاتین، ایران برای حل و فصل مسائل بین المللی خود ناگزیر به اتکا به حمایت کشورهای نظیر روسیه و چین شده است ولی تهدیدهایی علیه جمهوری اسلامی ایران در بسیاری از مناطق همجوار افزایش پیدا کرد، از جمله: در عراق، خلیج فارس، افغانستان و سوریه. (ساعی، هاشمی بهرمانی، ۱۳۹۳، ۳۲)



### نتیجه گیری

در سیاست خارجی دولت بازرگان، امنیت ملی بر منافع و مصالح اسلامی در اولویت قرار داشت. هدف اتخاذی دولت موقت خدمت به ایران از طریق اسلام بود. پس از برکناری دولت موقت از منظری عقیدتی و آرمانگرایانه به مقوله‌های سیاست خارجی و امنیت ملی نگریسته می‌شد. از زمان آغاز جنگ، جمهوری اسلامی به دلیل روبرو شدن با تهدید کاملاً عینی و فیزیکی، مجبور به تغییر در سیاست‌ها و برنامه‌های خود شد تا بتواند به دفاع از مرزهای ملی بپردازد. بر همین اساس، نوعی نگرش امنیتی انتقاضی و مبتنی بر تداوم حضور توده‌های مردم برای دفاع از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، دستور کار مسئولین کشور را مشخص کرد. خط مشی عملی و رفتاری ایران در صحنه سیاست خارجی در دهه دوم انقلاب را می‌توان با توجه به منافع ملی و ترتیبات منطقه‌ای و پرهیز از تحریک دیگران در قالب گفت‌وگوهای تنش‌زدایی مورد بررسی قرار داد. نخبگان سیاسی ضمن قبول عناصری از واقع‌گرایی در رفتار خارجی در تلاشی خستگی‌ناپذیر در جهت تأمین منافع ملی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بودند. در دولت هاشمی رفسنجانی، امنیت و توسعه، پیوند همه‌جانبه‌ای با یکدیگر برقرار کردند با انتخاب سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری، زمینه تعریف مجدد منافع ملی مهیا شد. حاکمیت ارزش‌های مردم‌سالاری دینی در اندیشه خاتمی، وی را به سمت برداشتن مردم‌سالارانه از منافع و امنیت ملی نیز هدایت کرد. وی با درکی که از وضعیت حاکم بر جهان، منطقه و نیز انزوایی که جمهوری اسلامی را دربر گرفته بود داشت، به این نتیجه رسید که چاره کار، بازتعریف منافع ملی بر مبنای ارزش‌قائل شدن به نقش و حضور مردم در عرصه‌های مختلف، از جمله در توسعه سیاسی کشور است. پس از انتخاب محمود احمدی‌نژاد به عنوان ریاست جمهوری اسلامی ایران و آغاز به کار دولت نهم در مرداد ۱۳۸۴ گفت‌وگوهای حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز دستخوش تغییر و تحول درونی شد. به گونه‌ای که گفت‌وگوهای عمل‌گرایی فرهنگی یا صلح‌گرایی مردم‌سالار جای خود را به اصول‌گرایی عدالت‌محور دادخواست‌مونی نسبی گفت‌وگوهای اصول‌گرایی در سیاست خارجی این بیانگر بازگشت به گفت‌وگوهای آرمان‌گرایی اوایل دهه ۱۳۶۰ است که وجود نوعی چرخه‌گفت‌وگویی در سیاست خارجی ایران را به خوبی نشان می‌دهد.

### منابع

- ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۴) "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، تهران، قومس.
- آقای، سید داوود (۱۳۸۶) "جایگاه اتحادیه اروپایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره سازندگی"، فصلنامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۳، صص ۱ تا ۲۸، پاییز.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۳) "انقلاب ایران در دو حرکت"، تهران، بی‌جا.
- بهزادی، حمید (۱۳۵۲) "اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی"، تهران، انتشارات کتابفروشی دهخدا.
- درویشی، فرهاد؛ فردی تازه کند، محمد (پاییز و زمستان ۱۳۸۷) "مفهوم منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی دولت خاتمی ۱۳۷۶ - ۸۴" مجله ژئوپلیتیک، شماره ۱۳، صص ۱۰۲ تا صص ۱۳۶.
- دبیرزاده، شهریار (۱۳۸۲) "تأثیر گفتگوی تمدن‌ها بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران" فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره ۱، از صص ۲۳۹ تا ۲۵۶، بهار.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۴) "تحول گفت‌وگویی در سیاست خارجی ج.ا.ا." چاپ اول، تهران، موسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
- رضایی، علی رضا (۱۳۸۷) "تبیین دوره‌های سیاست خارجی ج.ا.ا. از منظر تئوری‌های روابط بین‌الملل"، راهبرد، شماره ۴۸، از صص ۸۳-۱۰۰، پاییز.



- رنجبر، مقصود (۱۳۷۹) "گفتمان های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران" مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۹، از صص ۶۴ تا ۹۱، تابستان.
- رینولدز، فیلیپ آلن (۱۳۸۰) "اصول روابط بین الملل"، ترجمه جمشید زنگنه، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- میرفخرائی، سیدحسین (۱۳۹۳) "سیاست خارجی دولت موقت: از عدم تعهد تا اصل نه شرقی، نه غربی" فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال ۲، شماره ۸، از صص ۶۱ تا ۸۲، بهار.
- ساعی، احمد، هاشمی بهرمانی، فائزه (۱۳۹۳) "بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت های نهم و دهم در زمینه تامین منافع ملی" فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۸، شماره ۲۰، از صص ۷-۳۸، پاییز.
- سجادپور، سید محمد کاظم (۱۳۸۱) "سیاست خارجی ایران: چند گفتار در عرصه نظری و عملی"، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- موسوی، رضا، (۱۳۸۷) "اولویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی"، راهبرد شماره ۱۴۷ از صص ۷۹ تا ۹۷، تابستان.
- معین الدینی، جواد، انتظارالمهدی، مصطفی (۱۳۸۸) "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی" دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۸۹ تا ۲۱۶، پاییز.
- ولی پور زرومی، سید حسین (۱۳۸۳) "سیاستهای امنیت ملی ایران در سه دوره گفتمانی" مجله راهبرد، شماره ۳۲، از صص ۲۹۳ تا ۳۱۲، تابستان.